

درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: سوره بقره
موضوع جزئی: آیه ۳۹ _ معنای کفر و مراتب آن _ اثر کفر و تکذیب آیات الهی
تاریخ: ۲۸ مهر ۱۴۰۰
مصادف با: ۱۳ ربیع الثانی ۱۴۴۳
جلسه: ۶

﴿ الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین ﴾

آیه ۳۹

سوره بقره آیه ۳۹: «و الذین کفروا و کذبوا بآیاتنا اولئک اصحاب النار هم فیها خالدون».
با توجه به مطلبی که در آیه ۳۸ فرمودند که بعد از امر به هبوط فرمود: «فاما یأتینکم منی هدی»، چنانچه هدایتی از ناحیه ما به شما برسد، پس هر کسی که از این هدایت تبعیت کند، اثرش این است که در او خوف و حزن نخواهد بود. و کسانی که کفر بورزند و آیات ما را تکذیب کنند، «اولئک اصحاب النار هم فیها خالدون»؛ خالد در نار جهنم خواهند بود.
به طور طبیعی در مورد انسانی که مختار است (این آیه هم به نوعی اختیار انسان در انتخاب راه سعادت و شقاوت را هم میرساند)، اگر خداوند وعده ای می دهد به کسی که راه هدایت را انتخاب کند، در این طرف باید نتیجه و ثمره انتخاب راه شقاوت را هم بیان کند. برای کسی که راه هدایت را انتخاب کرد، نتیجه و ثمره اش ایمن بودن از عذاب خوف و حزن است. اما کسی که از راه هدایت روی گردان شد، گرفتار عذاب عظیم می شود. خلود در نار بدترین عذابی است که در اینجا می تواند متوجه کسی شود.

معنای کفر

در این آیه فرموده: «و الذین کفروا و کذبوا»، کفر چنانچه قبلا هم مکررا گفته شده به معنای ستر و پوشیدن است. به کافر این جهت کافر گفته می شود، که حق را می پوشاند و حق نزد او پوشیده است. پس اگر ما کفر را به این معنا دانستیم، این معنای وسیع و مراتب کثیر پیدا می کند. حتی کسی که به خداوند ایمان دارد اما از نظر اطاعت گرفتار مشکل است و به عبارت دیگر فاسق است، در او هم می تواند مرتبه ای از کفر وجود داشته باشد.

یا کسی که به درستی شکر نعمت های الهی را به جا نمی آورد و آن را می پوشاند، به یک معنا کفر بر او هم صدق می کند. برای همین است که می گویند کفران نعمت، در مقابل شکر نعمت کفر نعمت وجود دارد. لذا کفر اطلاقات متعدد و مراتب متعدد دارد. یک کفر در مقابل اسلام داریم، یک کفر در مقابل ایمان داریم، یک کفر در مقابل اطاعت داریم، یک کفر در مقابل شکر داریم. وجه مشترک همه این ها ستر است، منتهی آنچه که در این آیه گفته شده، به قرینه «کذبوا» که در ادامه ذکر شده و به قرینه خالدون که در پایان این آیه ذکر شده، منظور کفر در مقابل ایمان است. این آیه می خواهد بگوید کسانی که کافر شدند، یعنی به خدا ایمان نیاوردند، «و کذبوا بآیاتنا»، تکذیب در مقابل تصدیق است؛ تکذیب آیات الهی قرینه بر این است که آن کفر، کفر جحود و انکار است. کفری است که در مقابل ایمان و از روی جحد و انکار صورت

بگیرد. کسی که آیات الهی را تکذیب می‌کند، البته آیات الهی هم دامنه وسیعی دارد. ممکن است آیت الهی انبیاء و اولیاء خدا باشند چنانچه در برخی از روایات هم آمده مانند این روایتی که در تفسیر برهان آمده:

عن العسکری و الذین کفروا و کذبوا بآیاتنا الدالات علی صدق محمد علی ما جاء به من اخبار القرون الثالثة و علی ما عدّاها الی آیات عباد الله من ذکر تفضیله لعلی و آله طیبین خیر الفاضلین بعد محمد سید البریّات اولئک رافعون لصدق محمد (ص) و انبائه و المکذّبون له فی نصب اولیائه علی سید الاوصیاء المنتجبین من ذریّته الطاهرین.^۱ این‌ها هم به عنوان آیات مطرح شدند اما همانطور که در مورد آیه قبل هم گفتیم، این در حقیقت تطبیق است و تفسیر نیست. آیات الهی دامنه وسیعی دارد و همه نعمت‌هایی که خداوند در این عالم خلق کرده آیت هستند. قرآن، پیامبر و اهل بیت او آیت‌اند.

اثر کفر و تکذیب آیات الهی

می‌فرماید کسانی که کفر بورزند به آیات الهی و آنها را تکذیب کنند، «اولئک اصحاب النار هم فیها خالدون»؛ جای این‌ها در جهنم است و در آن جاودانه خواهند بود.

ما با توجه به اینکه در «فَمَنْ تَبِعَ هِدَايَ فَلَخَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ»، گفتیم تبعیت از هدایت مراتب دارد، تارة تام است و آخری ناقص. اثر تبعیت تام عدم الخوف و عدم الحزن است مطلقا. به هر میزان که از تبعیت کاسته شود، از قوت عدم الخوف و عدم الحزن هم کاسته می‌شود. بنابراین می‌توانیم بگوییم آن آیه طیف وسیعی از انسان‌ها به غیر از کافرین مکذبین را در بر می‌گیرد. چون اینجا بحث خلود در نار را که مطرح کرده، دیگر شامل فاسق نیست. فاسقی که توبه کرده باشد یا حتی توبه هم نکرده باشد، خلود در نار جزای او نیست.

این‌ها که در ذیل برخی آیات وارد شده، اهل خلود در نار را معرفی کرده‌اند. آنهایی که کفر دارند و تکذیب آیات الهی می‌کنند و از روی عناد انکار می‌کنند. خداوند متعال می‌خواهد بفرماید راه کآن معلوم است. من راه را نشان می‌دهم. درست است که فرموده: «فإِذَا يَأْتِيَنَّكُمْ مَنِي هَدِيٌّ» اما این منافاتی با قطعیتش ندارد و توضیحش را هم دادیم. این هدایتی را که ارائه می‌کنم، هر کسی تبعیت کند، لا خوفٌ علیهم و لا هم یحزنون. و آنهایی که کفر بورزند و تکذیب کنند آیات ما را، «اولئک اصحاب النار هم فیها خالدون»، یعنی جایشان جهنم است و خلود در آن دارند.

بنابراین می‌توان گفت دسته دوم، دسته ای محدود است. کافران و تکذیب‌کنندگان آیات الهی؛ چون این‌ها از روی عناد و با انکار برخورد کرده‌اند، در آتش جاودانه‌اند. اما غیر از این‌ها، یعنی آنهایی که تبعیتشان به نحو اعلی باشد مطلقا خوف و حزن ندارند. اما تبعیت فی الجملة هم رفع الخوف و رفع الحزن فی الجملة را دارد.

^۱. البرهان، ج ۱، ص ۱۹۸.

اینجا ممکن است سوال شود چرا در ناحیه هدایت فرمود: «فَمَنْ تَبِعَ هُدَايَ»؟ اگر می‌خواست این تناسب رعایت شود باید می‌فرمود: «وَمَنْ كَفَرَ وَكَذَّبَ بِآيَاتِنَا فَهُوَ خَالِدٌ فِي النَّارِ مِثْلًا يَا فَهْوٍ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ فِيهَا خَالِدٌ...».

ممکن است بخشی از این به آن جهتی که عرض کردم اشاره داشته باشد که «والذین کفروا» یعنی یک گروه. درست است که به صورت جمع آورده آنهایی که کفر بورزند و آیات ما را تکذیب کند عذاب آنها چنین است. اما «فَمَنْ تَبِعَ هُدَايَ» می‌خواهد بفرماید هر کسی که و کأن دامنه اش وسعت بیشتری دارد و این حکم کأن فراگیر تر است. هر کسی که تبعیت هدایت من را داشته باشد... این یک طیف وسیع تری را در بر می‌گیرد. آنجا می‌گوید آنهایی که کفر ورزیدند نتیجه کارشان چنین می‌شود، اما «فَمَنْ تَبِعَ هُدَايَ» باطلاقه به نظر می‌رسد که از این جهت می‌تواند شمول و وسعت بیشتری داشته باشد و طیف های مختلفی را در بر بگیرد.

نتیجه

پس آیه ۳۸ و ۳۹ که مبین سر نوشت انسان در روی زمین است و اینکه خداوند تبارک و تعالی در روی زمین شرایع و ادیان و کتاب های آسمانی را فراروی مردم قرار خواهد داد. آنهایی که این راه را طی کنند و از این هادیان بهره ببرند، نتیجه و ثمره اش این است. و آنان که از راه هدایت و تبعیت هدایت فاصله بگیرند، اینها کافران و مکذبان آیات الهی، یعنی آنهایی که آیات خدا را تکذب کنند چون تکذیب آیات الهی جز با جحد و انکار از روی عناد سازگار نیست، آنها هم ثمره کارشان این است که در آتش خالد و جاودان خواهند بود.

در اینجا بحث هایی در مورد عذاب و خلود در عذاب وجود دارد که جایش اینجا نیست. یعنی اساسا عذاب خوب است یا خیر؟ حسن دارد یا خیر؟ اینکه کسی مخالفت کند با خداوند تبارک و تعالی و عذاب شود. یکی اصل عذاب است و دوم دائمی بودن عذاب که این هم بحث مفصلی دارد که به چه دلیل کسانی که در یک عمر کوتاهی در این دنیا زندگی می‌کنند، ولو اینکه کفر ورزیدند، ولو اینکه آیات الهی را تکذیب کردند، چرا باید در آتش جاودانه بمانند. این مسئله ای است که باید درباره آن بحث شود. کسی که چند دهه زندگی کرده و اهل کفر و تکذیب بوده، چرا باید تا ابد در آتش جهنم بسوزد؟ پس اصل عذاب و خلود در عذاب مسائل مهمی اند که یا در اینجا و یا جداگانه باید به آن پرداخته شود.

انشاءالله در جلسه آینده آیه ۴۰ را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

«والحمد لله رب العالمین»